



Arbitrage Lawsuits and Costs Related to It

Ali Ghazi¹, Saleh Yamrali^{2*}, Zahra Tajari Moazeni³

1. PhD Student of Department of Law, Faculty of Humanities, gorgan Branch, Islamic Azad University, gorgan, Iran.

2. Assistant Professor, Department of theology, Faculty of Humanities, gonbad kavous University, gonbad kavous, Iran

3. Assistant Professor, Department of Law, Faculty of Humanities, gorgan Branch, Islamic Azad University, gorgan, Iran.

ARTICLE INFORMATION

Article Type: Original Research

Pages: 199-216

Article history:

Received: 24 Jul 2023

Edition: 7 Oct 2023

Accepted: 20 Des 2023

Published online: 29 Apr 2024

Keywords:

Disputed claims, counterclaims, additional claims, third-party claims, arbitration, litigation costs.

Corresponding Author:

Saleh Yamrali

Address:

Iran, gonbad kavous, University, gonbad kavous, Faculty of Humanities, Department of Law.

Orchid Code:

0000-0002-5523-0802

Tel:

09112745788

Email:

salehyamrali@gonbad.ac.ir

ABSTRACT

Background and Aims: It is meant by the sequence of events that occur contrary to the normal course of proceedings, and the court must take appropriate action according to the case, and the litigants must bear the related costs. The purpose of this article is to examine the arbitration procedure and its related costs.

Materials and Methods: The research method is descriptive and analytical and this research is theoretical. The method that has been used to collect information is in the form of a library and it has been done by referring to books and articles.

Ethical Considerations: In this article, the originality of the texts, honesty and trustworthiness are respected.

Findings: Necessary conditions for filing vague claims in arbitration have not been regularly and clearly mentioned neither in domestic arbitration laws nor in other laws. Tari lawsuits face interruption (both permanent and temporary) of arbitration. There are conditions that some of them need to be followed in order to file vague claims in the courts, but these conditions are not the same in arbitrations and courts, and in general, it can be acknowledged that the conditions for filing vague claims in arbitration and courts are not the same.

Conclusion: according to the rules governing the arbitration institution to prevent the huge costs of the proceedings as well as the delay of the proceedings as well as not to face the vague claims regarding the civil proceedings and the related costs, in order to speed up the proceedings and subsequent settlement In case of dispute, it is better for litigants to go to arbitration.

Cite this article as:

Ghazi A, Yamrali S, Tajari Moazeni Z. Arbitrage Lawsuits and Costs Related to It.. *Economic Jurisprudence Studies*. 2024.



طرح دعاوی طاری در داوری و هزینه‌های مربوط به آن

علی قاضی^۱، صالح یمرلی^{۲*}، زهرا تجری مؤذنی^۳

۱. دانشجوی دکتری گروه حقوق، دانشکده علوم انسانی، واحد گرگان، دانشگاه آزاد اسلامی، گرگان، ایران.
۲. استادیار، گروه الهیات، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه گنبد کاووس، گنبد کاووس، ایران.
۳. استادیار گروه حقوق، دانشکده علوم انسانی، واحد گرگان، دانشگاه آزاد اسلامی، گرگان، ایران.

چکیده

زمینه و هدف: منظور از طواری رویدادهایی است که برخلاف جریان عادی دادرسی عارض می‌شود و اصحاب دعوی باید هزینه‌های مربوط به آن را متحمل شوند. هدف مقاله حاضر بررسی طواری داوری و هزینه‌های مربوط به آن است.

مواد و روش‌ها: روش تحقیق به صورت توصیفی تحلیلی و این تحقیق از نوع نظری می‌باشد. روشی که برای جمع‌آوری اطلاعات استفاده شده است، کتابخانه‌ای است و با مراجعه به کتب و مقالات صورت گرفته است.

ملاحظات اخلاقی: در این مقاله، اصالت متون، صداقت و امانت‌داری رعایت شده است.

یافته‌ها: شرایط لازم برای اقامه دعاوی طاری در داوری نه در قوانین داوری داخلی و نه در سایر قوانین به‌طور منظم و روشن عنوان نگردیده است. دعاوی طاری داوری را با وقفه (اعم از دائمی و موقت) مواجه می‌کنند. شرایطی که لزوم رعایت برخی از آن‌ها نیز برای طرح دعاوی طاری در دادگاه‌ها احساس می‌شود؛ اما این شرایط در داوری‌ها و دادگاه‌ها یکسان نیست و به‌طور کلی می‌توان به یکسان نبودن و عدم تطبیق شرایط اقامه دعاوی طاری در داوری با دادگاه‌ها اذعان کرد.

نتیجه: با توجه به قواعد حاکم بر نهاد داوری برای جلوگیری از هزینه‌های هنگفت دادرسی و نیز اطلاع دادرسی و هم‌چنین عدم مواجهه با دعاوی طاری ناظر بر دادرسی مدنی و هزینه‌های مربوطه، در جهت تسریع در امر رسیدگی و متعاقباً حل و فصل موضوع اختلاف، بهتر است اصحاب دعوی در دعاوی طاری به داوری روی آورند.

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات: ۱۹۹-۲۱۶

سابقه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۵/۰۲

تاریخ اصلاح: ۱۴۰۲/۰۷/۱۵

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۹/۲۹

تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۰۲/۱۰

واژگان کلیدی:

دعاوی طاری، دعاوی متقابل، دعاوی اضافی، دعاوی ورود ثالث، داوری، هزینه‌های دادرسی.

نویسنده مسئول:

صالح یمرلی

آدرس پستی:

ایران، گنبد کاووس، دانشگاه گنبد کاووس، دانشکده علوم انسانی، گروه الهیات.

کد ارکید:

0000-0002-5523-0802

تلفن:

۰۹۱۱۲۷۴۵۷۸۸

پست الکترونیک:

salehyamrali@gonbad.ac.ir

۱. مقدمه

دعوی طاری دعوی است که در کنار دعوی اصلی از طرف اصحاب دعوی اصلی علیه شخص ثالث یا از طرف شخص ثالث علیه اصحاب دعوی یا از طرف هر یک از اصحاب دعوی علیه یکدیگر طرح می‌شود. دعوی طاری پس از طرح دعوی اصلی اقامه می‌گردد. در داوری نیز همین تعریف تا جایی که با ذات داوری در تعارض نباشد قابل پذیرش است. در حقوق ایران دعوی طاری عبارت‌اند از: ۱- دعوی اضافی ۲- دعوی متقابل ۳- دعوی ورود ثالث ۴- دعوی جلب ثالث. به بیانی ساده‌تر موضوع طواری رسیدگی در امر داوری است که شامل دعوی طاری به معنای خاص و ایرادات می‌شود؛ در این پژوهش به بررسی توقیف داوری به عنوان وقفه موقت و زوال داوری به عنوان وقفه دائمی در ذیل طواری پرداخته شده است. ایراد عبارت است از طرح اعتراض به خود و نفس دعوا صرف نظر از ماهیت حق مورد ادعا، لذا مشخص می‌شود که بین دفاع و ایراد تفاوت وجود دارد. در رابطه با ایرادات باید گفت عموماً ایرادات مندرج در ماده ۸۴ در داوری‌ها قابل اعمال است مگر آن دسته از ایراداتی که به دلیل طبیعت قضایی بودن یا نبود نص و مجوز قانونی نتوان در داوری‌ها از آن استفاده نمود. عموماً ایرادات در داوری تحت چهار عنوان کلی ایرادات ناظر به نهاد رسیدگی‌کننده، طرفین دعوا، خود دعوا و مختص داوری مطرح می‌شود. اطلاع دادرسی، تشریفات دادرسی و درگیر شدن در دعوی طاری پیچیده و زمان‌بر، از دیگر دغدغه‌های طرفین اختلاف در جریان دادرسی مدنی تلقی می‌گردد. یکی از طرق دیگر رسیدگی به اختلافات، رجوع به داوری است. از این رو با آگاهی رساندن به اصحاب دعوی و هم‌چنین جامعه حقوقی در خصوص مزایای فرایند

رسیدگی در داوری، بی‌تردید تمایل آنان به حل و فصل اختلافات از طریق داوری بیشتر خواهد شد. در این بین اطلاع دادرسی نیز به عنوان یکی دیگر از نگرانی‌های طرفین اختلاف در جریان دادرسی مدنی تلقی می‌گردد. حتی در بعضی مواقع مشاهده شده که به دلیل هزینه‌های بالایی که ذی‌حق باید بپردازد تا دادرسی مدنی بر موضوع اختلاف جریان پیدا کند مجبور به صرف نظر از حق خویش می‌گردد و این امر سبب تضییع حقوق و بروز مشکلات دیگری در جامعه خواهد شد. در این پژوهش تلاش شده به بررسی مؤلفه‌های دعوی طاری و فرایند رسیدگی این دعوی در داوری‌ها پرداخته شود چرا که رویکرد استفاده از نهادهای شبه قضایی هم‌چون داوری می‌تواند برای حل و فصل اختلافات حقوقی و کیفری در کنار سیستم قضایی دادرسی در دادگاه‌ها و مراجع قضایی برای توسعه قواعد و اصول حقوقی در جهت کنترل و کاهش طواری داوری و هزینه‌های مربوط به آن مؤثر واقع گردد. پژوهش‌های محدودی در زمینه طرح دعوی طاری در داوری انجام شده است. مریم نیشابوری (۱۴۰۰) در مقاله‌ای به بررسی طرح دعوی طاری در داوری پرداخته است. همایون مافی و جواد شمسی (۱۳۹۹)، در مقاله‌ای، دعوی متقابل در داوری داخلی و داوری تجاری بین المللی را مورد بررسی قرار داده‌اند. محدثه محتاج (۱۳۹۶) نیز در مقاله‌ای به بررسی امکان مداخله ثالث در داوری پرداخته است. تمایز و نوآوری مقاله حاضر نسبت به پژوهش‌های انجام‌شده این است که هدف مقاله حاضر در صدد بررسی این سؤال است که طرح دعوی طاری در داوری و هزینه‌های مربوط به آن چگونه است؟ به منظور بررسی سؤال مورد اشاره ابتدا جایگاه

در این قسمت ابتدا مفهوم طواری و انواع آن بررسی شده و در ادامه طواری داوری و هزینه‌های مربوط به آن بررسی می‌شود.

۵-۱. دعوی طاری و انواع آن

هر دعوی‌ای که در اثنای رسیدگی به دعوی دیگر از طرف خواهان یا خوانده یا شخص ثالث یا از طرف متداعیین اصلی بر ثالث اقامه شود دعوی طاری نامیده می‌شود. ماده ۱۷ قانون آئین دادرسی مدنی دعوی طاری را چنین تعریف می‌کند: «هر دعوی‌ای که در اثنای رسیدگی به دعوی دیگر از طرف خواهان یا خوانده یا شخص ثالث یا از طرف متداعیین اصلی بر ثالث اقامه شود دعوی طاری خوانده می‌شود. به عبارت‌ی عارض شدن دعوی‌ای در اثنای رسیدگی به دعوی اصلی دعوی طاری است. در تعریفی ساده‌تر، زمانی که دادگاه در حال رسیدگی به دعوی میان دو نفر است به آن دعوی اصلی گفته می‌شود، ممکن است طرفین دعوا، یک دعوی جدید را علیه یکدیگر اقامه کنند و باید این دعوی جدید منشأ یکسانی با دعوی در حال رسیدگی نیز داشته باشد. همچنین این امکان وجود خواهد داشت که شخص ثالثی که ذی‌نفع است وارد دعوی اصلی شود و یا آنکه یکی از طرفین دعوی یا هر دو خواهان ورود شخص ثالثی در دعوی شوند. از این ماده می‌توان استنباط کرد که برای آنکه در مورد دعوی اصلی رأی قطعی صادر شود باید نتیجه دعوی طاری مطرح‌شده معلوم گردد (ایمانیان بیگدلی، ۱۳۹۱، ۶۴).

دعوی طاری اقسامی دارد از جمله دعوی اضافی که در آن اگر خواهان بخواهد خواسته خود را تغییر دهد، اگر خواسته جدید او منشأ یکسانی با خواسته پیشین داشته باشد در قالب یک دعوی دیگر باید مطرح

داوری در حل و فصل دعاوی طاری بررسی شده، سپس آثار داوری و دادرسی مدنی بر اصحاب دعاوی طاری مورد بررسی قرار گرفته و در ادامه از ایرادات دعاوی طاری در فرایند دادرسی و هزینه‌های آن بحث شده است.

۲. مواد و روش‌ها

روش تحقیق به صورت توصیفی تحلیلی و این تحقیق از نوع نظری می‌باشد. روشی که برای جمع‌آوری اطلاعات استفاده شده است، کتاب‌خانه‌ای است و با مراجعه به کتب و مقالات صورت گرفته است.

۳. ملاحظات اخلاقی

در این مقاله، اصالت متون، صداقت و امانت‌داری رعایت شده است.

۴. یافته‌ها

شرایط لازم برای اقامه دعوی طاری در داوری نه در قوانین داوری داخلی و نه در سایر قوانین به‌طور منظم و روشن عنوان نگردیده است. دعاوی طاری داوری را با وقفه (اعم از دائمی و موقت) مواجه می‌کنند. شرایطی که لزوم رعایت برخی از آن‌ها نیز برای طرح دعاوی طاری در دادگاه‌ها احساس می‌شود اما این شرایط در داوری‌ها و دادگاه‌ها یکسان نبوده و به‌طور کلی می‌توان به یکسان نبودن و عدم تطبیق شرایط اقامه دعاوی طاری در داوری با دادگاه‌ها اذعان نمود.

۵. بحث

یا دعوی به‌شمار می‌آید» (صدرزاده افشار، ۱۳۸۰، ۹۱).

دومین قسم از دعوی طاری دعوی ورود ثالث است که گاهی ممکن است در حین رسیدگی به یک دعوایی، شخص ثالثی در نتیجه آن ذی‌نفع باشد و سود یا ضرری حاصلش شود. چنانچه در میانه دادرسی پرونده ورود شخص ثالث به دعوا ورود نماید و ادعایی را علیه اصحاب پرونده و یا یکی از آنها مطرح نماید، دعوی ورود ثالث مطرح است. یکی از مهمترین و شناخته‌شده‌ترین مصادیق دعوی طاری را دعوی ورود ثالث است. توجه داشته باشید که دعوی ورود ثالث نباید با توافق و تبانی یکی از اصحاب دعوی و به منظور تأخیر و ایجاد مانع در روند دادرسی پرونده مطرح شود. تشخیص این امر بر عهده قاضی دادگاه قرار دارد. نکته مهم دیگر ارتباط و پیوستگی این دو دعواست که باید احراز گردد. در چنین موقعیتی شخص ثالث می‌تواند دادخواستی به طرفیت یکی از طرفین دعوی یا هر دو آنها تقدیم کرده و دلایل خود را برای ورود به دعوی بیان کند. در این خصوص ماده ۱۳۰ قانون آیین دادرسی مدنی بیان نموده است: «هرگاه شخص ثالثی در موضوع دادرسی اصحاب دعوی اصلی برای خود مستقلاً حقی قائل باشد و یا خود را در محق شدن یکی از طرفین ذی‌نفع بداند، می‌تواند تا وقتی که ختم دادرسی اعلام نشده است، وارد دعوا شود، حتی اگر رسیدگی در مرحله بدوی باشد یا در مرحله تجدید نظر. در این صورت نام‌برده باید دادخواست خود را به دادگاهی که دعوا در آنجا مطرح است تقدیم و در آن منظور خود را به‌طور صریح اعلان کند». هم‌چنین این حکم در ماده ۱۳۳ قانون آیین دادرسی مدنی نیز

گردد که به آن دعوی اضافی می‌گویند. گاه ممکن است خواهان به‌دنبال دعوی اصلی و به موازات آن دعوی جدیدی در راستای دعوی اصلی مطرح کند. دعوی اضافی به دو صورت خاص و عام قابل طرح است. دعوی اضافی عام زمانی مطرح می‌شود که خواسته تحت عنوان تغییرات دعوا مطرح شود. دعوی اضافی خاص در شرایطی تعریف می‌شود که خواسته و دعوی جدیدی در راستای دعوی اصلی ضمیمه پرونده شود. در هر صورت دعوی اضافی هم-سو و هم‌جهت با دعوی اصلی و به‌دنبال آن مطرح می‌گردد. هم‌چنین ممکن است خواهان بدون آنکه تغییری در خواسته فعلی خود ایجاد کند، دعوی جدید بر علیه همان خواننده مطرح کند که این امر نیز دعوی اضافی است. «دعوی اضافی، عنوانی است که در حقوق ایران از حقوق فرانسه اقتباس شده است و بر خلاف قانون سابق آیین دادرسی مدنی فرانسه که در این مورد ساکت است و بررسی مسائل آن در پرتو قواعد عمومی صورت گرفته، قانون جدید آیین دادرسی مدنی این کشور در مواد ۶۳ و ۶۵ و ۶۷ تا ۷۰ متعرض تعریف، موقعیت و پاره‌ای از شرایط آن شده است» (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۷، ۵۱). ماده ۶۵ قانون مذکور در تعریف آن بیان می‌دارد: «دعوایی که به‌موجب آن یکی از طرفین ادعاهای قبلی و اصلی خود را تغییر دهد، دعوی اضافی نام دارد». «ماده ۹۸ قانون آیین دادرسی مدنی ایران، به‌جای ارائه تعریف یا بیان قاعده کلی، تنها به ذکر مصادیق دعوی اضافی پرداخته است. این مصادیق برحسب احصای ماده مذکور عبارت‌اند از: کاهش خواسته، افزایش خواسته و تغییر سبب دعوا. دعوی اضافی از نوع کاهش خواسته که از لحاظ ماهیت، اساساً دعوی یا ادعا محسوب نمی‌شود و نوعی استرداد جزئی خواسته

اما راهکاریست که در بسیاری از موارد متداول است. انتخاب این روش سبب می‌گردد، کلیه دعاوی طرفین در یک دادرسی رسیدگی شده و خاتمه پیدا کرده و از صدور آرای متعارض نیز جلوگیری گردد (خدابخشی، ۱۳۹۰، ج ۱۲۰، ۱). اما دعوی متقابل را از نظر سازوکار اجرایی در زمره طواری دادرسی دانسته‌اند، چراکه می‌تواند رسیدگی دادگاه را با تأخیر بیندازد. «ماده ۱۴۱ قانون آئین دادرسی مدنی دادگاه‌های عمومی و انقلاب مصوب ۱۳۷۹ (قانون آئین دادرسی) تعریف دعوی متقابل را چنین مقرر داشته که خوانده می‌تواند در مقابل ادعای خواهان، اقامه دعوا انجام دهد به شرط آن که منشأ این دعوا با دعوی اصلی یکسان باشد در این صورت به شکل توأمان قابل رسیدگی است. این ماده از ماده مشابه ۲۸۴ قانون آئین دادرسی مدنی سابق اقتباس شده است. بنابراین دعوی متقابل به دفاعی گفته می‌شود که خوانده در مقام پاسخ به دعوی خواهان انجام می‌دهد» (حیدری، ۱۳۸۹، ۴۲).

دعوی متقابل به سه شیوه انجام می‌پذیرد: «الف) پاسخ از ماهیت دعوا که دفاع به معنای اخص می‌باشد. در این روش دفاعی، خوانده مستقیماً به رد و انکار تمام یا بخشی از ادعای خواهان می‌پردازد و خواستار مردود اعلام نمودن تمامی دعوا یا بخشی از آن می‌گردد. مانند دعوی مطالبه وجه سفته، خوانده یا استناد به رسید عادی یا قبض بانکی و ادعای پرداخت وجه و وفای به عهد خواستار بطلان دعوی خواهان می‌شود. هم‌چنین در دعوی الزام به تنظیم سند رسمی انتقال قطعی ملک، خوانده به فساد معامله تمسک شده و می‌تواند محکومیت خواهان به بی‌حقی را از دادگاه مطالبه نماید. ب) ایرادات بدون

آمده است: «هرگاه دادگاه احراز نماید که دعوی ثالث به‌منظور تبانی و یا تأخیر رسیدگی است و یا رسیدگی به دعوی اصلی منوط به رسیدگی به دعوی ثالث نمی‌باشد، دعوی ثالث را از دعوی اصلی جدا نموده به هر یک جداگانه رسیدگی خواهد کرد» (انصاری، ۱۳۸۷، ۴۴).

از دیگر اقسام دعوی طاری دعوی جلب ثالث است. هرگاه در حین رسیدگی به دعوا، خواهان و یا خوانده پرونده تقاضای جلب شخص ثالثی را مطرح نمایند، دعوی جلب ثالث آغاز می‌گردد. به این منظور باید ادله و مدارکی به دادگاه ارائه شود که نشان دهد شخص ثالث مقصر و با دعوی اصلی در ارتباط است. در دعوی جلب ثالث، یکی از طرفین دعوی یا هر دو، قبل از آنکه جلسه نخستین به پایان برسد، حضور شخص ثالثی را برای پاسخ‌گویی و روشن نمودن ماهیت دعوی ضروری می‌دانند از همین جهت او را دعوت می‌کنند، در حقیقت تفاوت جلب ثالث با ورود ثالث نیز همین است که در جلب ثالث طرفین دعوی شخص سوم را دعوت می‌کنند به جلسه رسیدگی ولی در دعوی ورود ثالث این خود شخص سوم است که با اراده و اختیار خود به دعوی وارد می‌شود.

علاوه بر این، یکی از شیوه‌های دفاعی که مورد استفاده خوانده در دعاوی مدنی است دعوی متقابل نام دارد. هرگاه خوانده علیه خواهان اقدام به طرح دعوا نماید، دعوی متقابل نامید می‌شود. طرح دعوی متقابل علل و دلایل متعددی را دارد و به نوعی دفاع و پاسخ‌گویی علیه خواهان است. باید در نظر داشت که برای طرح چنین دعوایی نیاز است که ادله و مدارک مورد نیاز و کافی در دسترس باشد. در غیر این صورت نمی‌تواند از بار محکومیت خوانده بکاهد؛

ابتدایی چنانچه رأی دادگاه بدوی صادر گردد، از حیث هزینه‌های اعتراض به رأی در مراحل واخواهی، تجدید نظر و همچنین فرجام‌خواهی و اعاده دادرسی وجود دارد؛ اما در نهاد داوری وجود این مراحل و متعاقباً هزینه‌های مترتبه بر آن منتفی است (محسنی، ۱۳۸۸، ۴۲). لذا در مراجع قضایی به‌منظور مرحله بدوی، هزینه دادرسی سه و نیم درصد خواسته و چهار و نیم درصد در مرحله واخواهی و تجدید نظر و نیز پنج و نیم درصد در مرحله فرجام‌خواهی و اعاده دادرسی خواهد بود. این در حالی است که حداکثر هزینه داوری با نظر به تک مرحله‌ای بودن داوری و تعرفه پایین کار داوری نسبت به هزینه دادرسی خیلی اندک است و علاوه بر آن با افزایش یافتن میزان خواسته، درصد هزینه دادرسی نیز کاهش پیدا می‌کند و به تعبیر دیگر در دعاوی مالی با بهای خواسته‌های گزاف هزینه داوری خیلی پایین‌تر از هزینه دادرسی خواهد شد (محمدی و همکاران، ۱۳۸۸، ۹۱). هم‌چنین در دادرسی مدنی ورود ثالث و جلب ثالث یا به عبارتی طواری دادرسی را داریم که هزینه‌های دادرسی مربوط به خود را دارند و این در حالی است که در رویه‌ها این پدیده حقوقی در جریان داوری به چشم نمی‌خورد (مهاجری، ۱۳۸۷، ۷۲). در ادامه باید خاطرنشان کرد که ایرادات شکلی مترتبه در جریان دادرسی مدنی به‌وفور اتفاق می‌افتد و این موضوع باعث بار مالی مجدد برای اصحاب دعوی خواهد شد. حال آنکه در نهاد داوری ایرادات شکلی ملاحظه نمی‌گردد (مردانی و همکاران، ۱۳۷۲، ۵۱). علاوه بر موارد ذکر شده در دادرسی مدنی اطلاع دادرسی وجود دارد که چه‌بسا سال‌ها دادرسی به طول می‌انجامد تا رأی بدوی صادر گردد. ولی در داوری سرعت

پاسخ از ماهیت دعوا و یا توأم با آن. در این طریق دفاعی، خواننده دعوا را به‌گونه‌ای که طرح شده است به دلیل اوصاف و عوارضی که دارد شایسته پاسخ-گویی نمی‌داند. صرف نظر از پاسخ در دعوا در واقع هدف از این شیوه دفاعی، قرار دادن مانعی برای شنیدن و رسیدگی به دعوا است مانند ایراد عدم صلاحیت یا ایراد اعتبار امر قضاوت شده که در بندهای ۱ و ۶ ماده ۸۴ قانون آئین دادرسی مدنی بدان پرداخته شده است (پورطهماسبی و همکاران، ۱۳۸۴، ۷۲). ج دعوی متقابل که در این شیوه دفاعی، خواننده به‌منظور پاسخ‌گویی به ماهیت دعوا، دعوی جداگانه‌ای مطرح می‌شود که هدف از آن پاسخ به دعوی خواهان است و ممکن است امکان مطالباتی علاوه بر رد دعوی اصلی از دادگاه امکان‌پذیر باشد (زندى، ۱۳۸۹، ج ۴، ۹۰). یکی از دیگر انواع دعوی متقابل مطرح شده طرح دعوا در مقام دفاع از جانب محکوم علیه رأی غیابی است. در این فرض وی خواننده‌ای محسوب شده است که در دادرسی نخستین حضور ندارد و حتی فرصت و امکان دفاع نیز برای او میسر نخواهد بود. لذا در اولین فرصتی که برای دفاع پیدا می‌کند، می‌تواند امتیاز طرح دعوی متقابل را مورد استفاده قرار دهد.

۵-۲. آثار داوری و دادرسی مدنی بر اصحاب دعاوی طاری

از مصادیقی که می‌توان برای آثار رویکرد اقتصادی را در داوری و دادرسی مدنی بر اصحاب دعوی بیان داشت این است که آیا حل و فصل اختلاف از منظر تحلیل اقتصادی در داوری بهتر است یا دادرسی مدنی که برای پاسخ به آن می‌توان به این نکته اشاره داشت که در دادرسی مدنی علاوه بر هزینه دادرسی

وکیفری به‌عنوان یک راهبرد مهم در سیاست قضایی مطرح می‌گردد. لذا مراکز داوری حجم زیادی از پرونده‌های قضایی را به‌صورت داوری حل‌وفصل می‌نماید. این حجم از پرونده‌ها در حالی است که حجم وسیعی از پرونده‌های مطروحه در حقیقت طرح دعاوی متقابل یا ارائه دادخواست‌های متفاوت برای یک دعوی خاص سبب می‌شود تا حجم پرونده‌ها و ازدحام در دستگاه قضایی چند برابر گردد (ابهری، ۱۳۸۷، ۳۱۸). در چنین شرایطی تلاش برای ایجاد صلح و سازش در پرونده‌ها و فصل خصومت بین دو طرف دعوی از طریق داوری یکی از راهکارهای مهم برای حل مشکل می‌تواند مؤثر واقع گردد. در واقع ترویج صلح و سازش با استفاده از یک پتانسیل قانونی و البته کاملاً عقلایی با عنوان داوری یکی از راهکارهایی است که می‌تواند دستگاه قضایی را بیش از پیش در پیمودن مسیر قضاوت و دادرسی یاری دهد. نهاد داوری به‌عنوان جایگزین مراجع قضایی، زمانی موفق به حل‌وفصل عادلانه اختلاف می‌شود که موانع استماع دعوا را برطرف نموده و رفتار برابر با طرفین را تضمین نماید. به‌طور نمونه به هنگام استماع در دادگاه، مساعدت‌های قضایی در قالب مؤلفه‌هایی هم‌چون پذیرش دعوی اعسار، کمک به افراد ناتوان می‌آید تا موانع اقتصادی، سبب نقض حقوق اولیه و بنیادینی هم‌چون حق دادخواهی و دفاع از دعوا نشود (انصاری، ۱۳۸۷، ۶۱). «داوری یکی از مهم‌ترین راهکارهای فصل‌خصومت جایگزین رسیدگی‌های قضایی است. ماهیت توافقی درگزینه‌های داوران و انتخاب تخصصی از بارزترین ویژگی‌های داوری است. ولی ممکن است در حین رسیدگی به دعوی اصلی دعوی دیگری طرح بشود که اصطلاحاً به آن دعوی طاری گفته می‌شود» و از آنجایی که

رسیدگی بیشتر است به‌عبارت‌دیگر مهلت داوری با توافق طرفین مشخص می‌گردد درحقیقت طرفین توافق می‌نمایند که کلیه یا برخی از اختلافات خود را بر اساس آن به داوری ارجاع دهند که امکان دارد این توافق به‌صورت شرط در هنگام عقد (شرط داوری) یا به‌صورت یک قرارداد مستقل (قرارداد داوری) باشد. هم‌چنین در برخی مواقع دیده می‌شود که طرفین توافقی بر مدت داوری نداشتند لذا به‌موجب ماده ۴۸۴ قانون آئین دادرسی مدنی اگر طرفین در مورد مهلت داوری به توافق نرسیده باشند، مدت آن سه ماه خواهد بود؛ اما در دادرسی مدنی مهلت مشخص برای ختم دادرسی و صدور آرای مربوطه متصور نیست (مولودی، ۱۳۸۱، ۴۵).

اگر موضوع دعوی‌ای که در نزد داوری طرح شده باشد به دلایلی به شخص دیگری منتقل شود طبیعی است، موافقت نامه داوری نیز زایل می‌شود؛ چراکه موضوع توافق داوری مربوط به طرفین بوده و طرفین توافق کرده‌اند که به داوری رجوع کنند و این دلیلی بر این ندارد که فرد ثالث مأخوذ به داوری شود. البته اگر فرد منتقل‌الیه با فرد طرف قرارداد داوری توافق جدیدی نمایند، آن نهاد داوری صلاحیت رسیدگی خواهد داشت. پس با انتقال قرارداد، داوری زایل می‌شود. اگر موضوع قرارداد همراه با همه آثار آن باشد به منتقل‌الیه می‌رسد و داوری زایل نمی‌شود چرا که انتقال موقعیتی قرارداد همراه با تمام آثار آن، چیزی جدا از انتقال موضوع می‌باشد.

۳-۵. جایگاه داوری در حل‌وفصل دعاوی طاری

علاوه بر سیستم قضایی دادرسی مدنی در دادگاه‌ها و مراجع قضایی، امروزه استفاده از نهادهای شبه قضایی مانند داوری برای حل‌وفصل اختلافات حقوقی

جمعی می‌باشد و در مورد جلب ثالث پذیرش مشروط مدنظر است و این نظر که در داوری‌ها جلب ثالث وجود ندارد فاقد وجاهت قانونی است.

در رابطه با اعتراض ثالث باید گفت در مورد اینکه کدام یک از مواد ۳۲۴ یا ۴۹۳ حاکم می‌شود به نظر می‌رسد ماده ۴۹۳ حاکم شود؛ چون شخص در جریان داوری دخالتی نداشته و باید حمایت بیشتری از وی به عمل آید و این که عبارت (عندالافتضا) در ماده ۴۹۳ در رابطه با اخذ تأمین مناسب از ثالث مناسب‌تر به حال ثالث خواهد بود.

موارد توقیف داوری در مقررات آمده است؛ اما در رابطه با امکان انجام تحقیقات و معاینه محل برخلاف مقررات مربوط به داوری‌های مرکز اتاق داوری در مقررات داوری قانون آئین دادرسی مدنی مقرره‌ای وجود ندارد که این ضعف مقررات داوری را می‌رساند که این خود ضرورت دخالت مقنن را می‌رساند.

۴-۵. ایرادات و دعاوی طاری در فرایند دادرسی

ایرادات و دعاوی طاری در زمره دادرسی‌اند. یعنی در جریان دادرسی مطرح می‌گردند و دادرسی را به‌طور جزئی یا کلی با وقفه مواجه کرده یا آن که صدور رأی را به تأخیر می‌اندازند. «ایراد، دلیلی است که خواننده معمولاً در جهت ایجاد مانع موقتی یا دائمی بر جریان رسیدگی به دعاوی مطروحه و یا بر شکل‌گیری مبارزه در اصل و ماهیت مورد ادعا، به‌منظور بازداشتن موقت یا دائم خواهان از پیروزی به کار می‌گیرد» (پوراستاد، ۱۳۸۷، ۸۵). «در داوری نیز همین تعریف پذیرفتنی است. بیشتر ایرادات در داوری قابل پذیرش است. در این صورت داور مکلف

شرایط لازم برای اقامه دعاوی طاری نه در قوانین داوری داخلی و نه در سایر قوانین به‌طور منظم و روشن عنوان نگردیده است. لذا بایبان شرایط لازم جهت اقامه این دعاوی در دادگاه‌ها و مقایسه میان دادرسی دادگاه‌ها با رسیدگی‌های داوری به این مهم پرداخته می‌شود (ایمانی بیگدلی، ۱۳۹۱، ۸۵). شرایطی که لزوم رعایت برخی از آن‌ها نیز برای طرح دعاوی طاری در دادگاه‌ها احساس می‌شود؛ اما این شرایط «در داوری‌ها و دادگاه‌ها یکسان نبوده و به‌طور کلی می‌توان به یکسان نبودن و عدم تطبیق شرایط اقامه دعاوی طاری در داوری با دادگاه‌ها اذعان نمود هم‌چنین در دعاوی طاری با دخالت اشخاص ثالث، ثالث از تمامی حقوق متداعیین حاضر در جریان رسیدگی‌ها اصلی برخوردار نبوده و تنها از حقوق اولیه‌ای که هر شخص دارا است» (بروجردی، ۱۳۹۷، ۲۱۸).

در رابطه با دعاوی اضافی اگر موضوع دعوا در دعاوی اصلی بگنجد منعی وجود ندارد. هم‌چنین دعاوی متقابل علی‌رغم اینکه در داوری موضوع آیین دادرسی پیش‌بینی نشده است از آن جهت که خود نوعی دفاع محسوب می‌شود و اینکه در مقررات مشابه مثل داوری‌های اتاق بازرگانی در ماده ۷ آمده به نظر می‌رسد در داوری‌ها قابل پذیرش باشد. در مورد ورود ثالث و جلب ثالث در ماده ۴۷۵ به نحو مشروط پذیرفته شده است، شرط پذیرش این است که برخلاف دادرسی‌های دولتی در داوری طرفین داوری و داور باید موافق باشند و در مورد جلب ثالث رضایت مجلوب هم باید حاصل شود. در واقع اثر ورود ثالث در داوری این است که نوعی داوری مطرح است که ماهیتش دیگر ورود ثالث نیست؛ بلکه داوری‌های

موجه باشد؛ در این صورت داور می‌تواند ایراد مؤخر را نیز نپذیرد» (حیدری، ۱۳۸۹، ۹۲).

برخی ایرادات در داوری دعاوی طاری عبارت‌اند از:

۵-۴-۱. ایراد رد داور (ایراد به صلاحیت داور)

در مورد دادرسی‌های قضایی صلاحیت نهاد دادگاه به ذاتی و محلی قابل تقسیم است و لذا خوانده می‌تواند بر حسب مورد ایراد عدم صلاحیت ذاتی و ایراد عدم صلاحیت محلی را عنوان کند. «در ق.آ.د.م. تصریحی به ایراد رد داور (ایراد به صلاحیت داور) و موجبات آن نشده اما از اصول کلی و هم‌چنین مفاد آیین‌نامه نحوه ارائه خدمات مرکز داوری اتاق ایران می‌توان به مصادیقی از صلاحیت داور اشاره کرد» (کریمی، ۱۳۸۶، ۶۱). مطابق ماده ۲۳ آئین‌نامه مزبور «داور در صورتی قابل جرح خواهد بود که اوضاع و احوال موجود، باعث تردید موجهی نسبت به بی‌طرفی و استقلال او گردد و یا واجد اوصافی که طرفین تعیین نموده‌اند، نباشد. هر یک از طرفین تنها به استناد دلایلی که پس از تعیین داور از آن مطلع گردند، می‌تواند داوری که خود تعیین ساخته یا در جریان تعیین او مشارکت داشته، جرح کند (خدابخشی، ۱۳۹۰، ۶۲).

الف- در داوری‌های داخلی، اشخاص زیر را هر چند با تراضی نمی‌توان به‌عنوان داور انتخاب کرد و از موجبات رد و جرح داور است: اشخاصی که بی‌طرفی و استقلال ایشان در موضوع داوری، محل تردید باشد؛ اشخاصی که فاقد اهلیت قانونی هستند؛ اشخاصی که به‌موجب حکم قطعی دادگاه و یا در اثر آن از داوری محروم شده‌اند؛ کلیه قضات و کارمندان اداری شاغل در محاکم قضایی (زندی، ۱۳۸۹، ۱۱۷).

می‌گردد در داوری‌های سازمانی، مطابق قواعد داوری نهاد داوری و در داوری‌های موردی مطابق مقررات قانون آیین دادرسی مدنی و قواعد عام بدان پاسخ داده و به صدور رأی مقتضی اذعان نماید. به‌عنوان مثال اگر خوانده ایراد عدم اهلیت خواهان را مطرح نماید داور مکلف است تا در خصوص این ایراد رأی مناسب صادر را نماید یا اینکه در ضمن رأی ماهوی در خصوص ایراد به‌عمل آمده نیز اتخاذ تصمیم کند» (پورطهماسبی فرد و همکاران، ۱۳۸۴، ۲۱۵). «این قسمت در پی تکرار ایرادات و قواعد آنکه به‌طور مفصل در آثار مؤلفین آئین دادرسی مدنی آمده است معین نگردیده؛ بلکه صرفاً به ایراداتی پرداخته شده که فقط در داوری قابل طرح است و یا این که در دادرسی مدنی نیز مطرح شده است، اما در داوری شایع است» (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۷، ۷۱). «بر اساس قاعده عمومی، طرفین باید ایرادات خود را در اولین فرصتی که پس از ظهور جهت ایراد برای دفاع بدان‌ها داده شده مطرح کنند. البته ماده ۸۷ ق.آ.د.م فرصت طرح ایراد را تا پایان اولین جلسه دادرسی برای آن‌ها در نظر گرفته است» (غمامی و همکاران، ۱۳۸۶، ۲۲). اصل مزبور در قوانین قبلی نیز مورد پذیرش است. از جمله این که در ماده ۲۰۱ ق.آ.د.م ۱۳۱۸ صریحاً بدان اشاره شده و بر اساس این ماده: «ایرادات در دادرسی‌های عادی باید در اولین لایحه‌ای که در پاسخ طرف داده می‌شود به عمل آید و در دادرسی‌های اختصاری در اولین جلسه دادرسی مگر این که سبب ایراد بعد حادث شود». بنابراین در داوری‌ها باید به اصل مراجعه نموده و فرصت طرح ایراد را اولین فرصت ممکن دانست. «با این وجود تأخیر در بیان جهت ایراد ممکن است مبتنی بر جهات

نامه داوری مطرح می‌شود (شمس، ۱۳۸۱، ۴۲). ایراد عدم صلاحیت حتی اگر خارج از فرجه قانونی مطرح شود دادگاه را مکلف می‌کند چنانچه آن را بپذیرد جدای از ماهیت و حتی بدون صدور رأی در ماهیت قرار عدم صلاحیت صادر کند.

برخلاف قاضی دولتی و کلاً سیستم قضایی دولتی که اختیاراتش را به موجب قانون می‌گیرد داور صلاحیت خود را از دو منبع زیر می‌گیرد: الف: قانون، یعنی داور فقط در موضوعاتی که قانوناً قابل داوری هستند حق دخالت دارد، در قانون داخلی مثلاً در ماده ۴۹۶ ق.ا.د.م مواردی وجود دارد که داور حق دخالت ندارد مثل دعاوی ورشکستگی، اصل نکاح، طلاق، ورشکستگی و ... ب: از طرفین اختلاف، غیر از موارد قانونی، داور در موضوعات قابل داوری هم با اجازه قانون، صلاحیت و اختیار خود را از طرفین اختلاف می‌گیرد. یعنی چون قانون اجازه داده است که اشخاص اختلافات مدنی خود را به قاضی منتخب خود به نام داور ارجاع دهند، می‌توانند حدود اختیار داور را هم مشخص نمایند.

۵-۴-۲. ایراد عدم صلاحیت داوری

«در داوری‌ها ایراد عدم صلاحیت محلی اساساً قابل طرح نیست، اما در مورد صلاحیت ذاتی می‌توان به امور کیفری، اصل طلاق، نسب، نکاح، امور ورشکستگی و ... اشاره نمود. در این موارد ایراد عدم صلاحیت ذاتی مرجع داوری در رسیدگی به این امور قابل طرح است» (صدر زاده افشار، ۱۳۸۰، ۵۵).

۵-۴-۳. ایراد به وجود یا اعتبار موافقت‌نامه

داوری

ب- در داوری‌های داخلی، اشخاص زیر را نمی‌توان به‌عنوان داور معرفی و منصوب کرد مگر با تراضی طرفین: کسانی که سن آن‌ها کمتر از ۲۵ سال تمام باشد؛ کسانی که در دعوی ذی‌نفع باشند؛ کسانی که با یکی از اصحاب دعوا قرابت سببی یا نسبی تا درجه دوم از طبقه سوم داشته باشند (شمس، ۱۳۸۲، ج ۲-۱، ۶۲). کسانی که قییم یا کیفیل و یا وکیل یا مباشر امور یکی از اصحاب دعوا می‌باشند یا یکی از اصحاب دعوا مباشر امور آن‌ها باشد. کسانی که خود یا همسرشان با یکی از اصحاب دعوا یا با اشخاصی که قرابت سببی یا نسبی تا درجه دوم از طبقه سوم با یکی از اصحاب دعوا یا با اشخاصی که قرابت نسبی یا سببی تا درجه دوم از طبقه سوم با یکی از اصحاب دعوا دارند، در گذشته یا حال دعوی کیفری داشته باشند. کسانی که خود با یکی از اصحاب دعوا یا یکی از اقربای سببی یا نسبی تا درجه دوم از طبقه سوم او با یکی از اصحاب دعوا یا زوجه و یا یکی از اقربای نسبی یا سببی تا درجه دوم از طبقه سوم او دعوی حقوقی داشته باشد. کارمندان دولت در حوزه مأموریت آنان» (شمس، ۱۳۸۲، ج ۲-۱، ۲۱۸).

مقررات این ماده با ماده ۴۶۹ ق.ا.د.م شباهت تام دارد و به نظر می‌رسد در داوری‌های داخلی نیز مجری خواهد بود. نکته قابل توجه این است که صرف انتخاب مستقیم یا غیر مستقیم داور موجب محرومیت از حق ایراد به صلاحیت وی نخواهد شد (شهیدی، ۱۳۸۵، ۲۱۴).

البته ایراد عدم صلاحیت داور با ایراد عدم صلاحیت داوری متفاوت است. در اولی ایراد به شخص داور و شرایط وی است؛ ولی در دومی مباحثی چون داوری-پذیر نبودن اختلاف و یا فقدان یا بی‌اعتباری موافقت-

که داور مکلف به پاسخ‌گویی به ایراد خروج از صلاحیت است؛ ولی اگر به چنین ایرادی پاسخ دهد، صرف این امر به‌خودی‌خود موجب بی‌اعتباری رأی داور نخواهد بود» (غمامی و همکاران، ۱۳۸۵، ۷۱). «ایراد از خروج داور از حدود صلاحیت می‌تواند در موارد چندی مطرح گردد: داور اختیار صلح و سازش نداشته و با این وجود دعوا را به صلح ختم کرده است» (بند ۳ ماده ۴۲ آئین‌نامه نحوه ارائه خدمات مرکز داوری). موضوع داوری فقط قسمتی از قرارداد بوده؛ ولی داور در خصوص کل قرارداد یا آن قسمتی که موضوع داوری نبوده اظهار نظر نماید. لذا داور حق نداشته تا رأی خود را به استناد انصاف صادر نماید و این محدودیت را لحاظ نکرده است» (محسنی، ۱۳۸۹، ۸۵).

۵-۴-۵. ایراد امر مطروحه

«ممکن است دعوایی که نزد داور یا نهاد داوری مطرح می‌شود، قبلاً در مرجع داوری طرح شده و یا در مرحله رسیدگی باشد. در این حالت طرف ذی‌نفع می‌تواند ایراد امر مطروحه را مطرح نماید. پس با چند فرض روبه‌رو خواهیم بود: اگر دعوا ابتدائاً در یک مرجع داوری مطرح و پس از آن در مرجع داوری دیگری طرح شود، این به معنی صرف نظر از داوری اول خواهد بود. در این حالت، چنانچه خوانده دعوی دوم، به ایراد امر مطروحه متوسل نشود، توافق ضمنی مبنی بر انصراف از داوری اول و احاله قضیه به داوری بعدی می‌شود و چنانچه دعوایی درحالی که در دادگستری مطرح شده، در یک مرجع داوری نیز اقامه شود، این امر به‌خودی‌خود تأثیری در رسیدگی دادگاه نخواهد داشت (حتی اگر این امر از سوی خواهان صورت پذیرد)؛ چراکه جهات صدور رأی

«به این ایراد نیز در ق.آ.د.م. پرداخته نشده است. اما به نظر می‌رسد این ایراد در داوری‌های موضوع قانون مزبور نیز قابل طرح باشد. در این صورت داور باید در این خصوص اظهار نظر نماید. ولی اگر به هر دلیل در این قضیه سکوت اختیار کند و سپس در دادگاه مطرح نماید، چنانچه اعتبار موافقت‌نامه داوری محرز شود، مشکلی پیش نیامده و سکوت داور تأثیری در اعتبار رأی وی نخواهد داشت. در داوری‌های مرکز داوری موضوع مشمول ماده ۲۹ آئین‌نامه نحوه ارائه خدمات مرکز داوری می‌باشد» (محمدی و همکاران، ۱۳۸۸، ۲۱۴). «بر اساس این ماده: الف. داور می‌تواند در مورد حدود صلاحیت خود و هم‌چنین درباره وجود یا اعتبار موافقت‌نامه داوری، نفیاً و یا اثباتاً اتخاذ تصمیم کند. ارجاع اختلافات و دعاوی به مرکز داوری، به‌منزله پذیرش این اختیار داور خواهد بود...» (عابدیان و همکاران، ۱۳۸۸، ۴۴). «از این رو بی‌اعتباری موافقت‌نامه داوری می‌تواند به علل ذیل باشد: ۱. عدم اهلیت طرفین (که خود می‌تواند موضوع ایراد عدم اهلیت را تشکیل دهد). ۲. فقدان سمت طرفین و یا فقدان اختیار ارجاع امر به داوری» (متین دفتری، ۱۳۸۱، ۲۲).

۵-۴-۴. ایراد خروج داور از حدود صلاحیت

«بر اساس ماده ۳۰ آئین‌نامه نحوه ارائه خدمات مرکز داوری: ... ایراد به خروج داور از حدود صلاحیت در جریان رسیدگی داوری، باید به محض بروز و اطلاع از آن، اعلام نماید، فقط در صورتی که داور، تأخیر در ایراد در موارد مذکور را موجه تشخیص بدهد، می‌تواند ایراد خارج از موعد را قبول نماید». مفاد این ماده در قانون آئین دادرسی نیامده، ولی در داوری‌های موردی نیز مورد پذیرش واقع شده است. بدین نحو

موضوع اختلاف که موضوع حکم قطعی است به قائم‌مقام طرف بازدارنده انتقال یافته است (و در موارد نادر به قائم‌مقام طرف پیروز)» (کاتوزیان، ۱۳۸۳، ۶۲). «حکم داور یا قاضی در مورد اختلاف دارای اعتبار امر قضاوت شده از سوی داور خواهد بود؛ زیرا قاضی دادگاه می‌تواند راساً به این ایراد استناد کرده و بر همین اساس از رسیدگی امتناع ورزد، تردیدی نخواهد بود اگر در خصوص توانایی داور نتوان با قاطعیت پاسخ داد لذا ق.آ.د.م در این مورد مسکوت مانده است» (کاشانی و همکاران، ۱۳۹۰، ۳۲). «به نظر می‌رسد باید قائل به تفکیک شد. چراکه رأی سابق - الصدور از مرجع داوری صادر شده و طرفین مجدداً همان دعوا را به داوری ارجاع داده‌اند، در این صورت موضوع مشمول ماده ۴۸۶ ق.آ.د.م خواهد بود. بر این اساس، هرگاه طرفین، رأی داور را به اتفاق به طور کلی و یا قسمتی از آن را رد نمایند، آن رأی در قسمت مردود بلااثر می‌شود. از همین رو به نظر می‌رسد ارجاع مجدد اختلاف مزبور (به داوری)، به معنای توافق بر رد رأی داوری است؛ زیرا با این توافق ضمنی رأی سابق بی اعتبار گشته و دیگر رأیی وجود ندارد تا موضوع اعتبار امر مختوم مطرح شود» (کریمی، ۱۳۸۶، ۴۴).

۵-۴-۷. ایراد اتمام مهلت داوری

در داوری‌ها، یکی از ایرادات شایع، اتمام مهلت صدور و تسلیم رأی است. بر اساس تبصره ماده ۴۸۴ و بند ۴ ماده ۴۸۹ ق.آ.د.م مهلت صدور و تسلیم رأی سه ماه است و عدم رعایت این مهلت موجب بی اعتباری رأی داور خواهد شد. البته این مهلت با تراضی طرفین قابل کاهش یا افزایش خواهد بود (مهاجری، ۱۳۸۷، ج ۱، ۴۲).

قاطع در ق.آ.د.م. مطرح و طرح دعوا در داوری، در زمره این موجبات ایراد نشده است» (محسنی، ۱۳۸۹، ۷۴). «ولی اگر طرفین دعوا، با توافق یکدیگر اختلاف را به داوری ارجاع دهند در این صورت مطابق مفاد ماده ۴۵۴ ق.آ.د.م. اصول کلی، دادگاه باید رسیدگی را متوقف و منتظر نتیجه رسیدگی داور باشند. در این حالت، یعنی فرضی که طرفین دعوا با توافق یکدیگر اختلاف خود را در دادگستری مطرح می‌نمایند هیچ‌یک نمی‌توانند به ایراد امر مطروحه متوسل می‌شوند» (قهرمانی، ۱۳۹۰، ج ۲، ۳۱۵). ایراد امر مطروحه در نهاد داوری، مطابق ماده ۴۵۴ چنانچه اصل اختلاف و منازعه در دادگاه مطرح و در حال رسیدگی باشد، طرفین می‌توانند با تراضی، موضوع را به داوری ارجاع دهند. در این ماده تراضی در هر مرحله از رسیدگی ممکن دانسته شده است. منظور از مراحل رسیدگی اعم از بدوی، تجدید نظر و دیوان عالی کشور است چرا که عبارت هر مرحله از رسیدگی بر این معنا دلالت دارد و مضافاً ماده ۴۹۴ قانون که تقاضای مشترک ارجاع به داوری در مرحله فرجامی را تجویز نموده و در واقع در عالی‌ترین مرحله رسیدگی که دیوان عالی کشور باشد نیز نظر داشته است. با توجه به ماده ۴۵۴، که قید در هر مرحله از رسیدگی را آورده، موجه است طرفین چون با هزینه خود و توسط قضات منتخب‌اند، در هر مرحله از رسیدگی بتواند به داوری توافق کند.

۵-۴-۶. ایراد امر قضاوت شده (امر مختومه)

«این ایراد در صورتی قابل طرح است که دعوی موضوع داوری قبلاً در دادگاه یا مرجع داوری (به نظر ما) رسیدگی و مورد صدور حکم قرار گرفته باشد. مورد عملی این حالت در مواردی است که مال

۵-۵. فرایند دادرسی دعاوی طاری بر اساس هزینه‌ها

یکی از معضلات دستگاه قضایی کشور تراکم دعاوی در دادگاه‌ها است که موجب کاهش دقت و سرعت در رسیدگی قضایی می‌شود. هزینه‌های سرسام‌آور دادگستری نیز یکی از دغدغه‌های مسئولین قضایی به شمار می‌رود. بنابراین به نفع نظام قضایی است که در پی ترویج حل و فصل اختلافات خصوصی افراد در خارج از دادگستری برآید. هم‌چنین بحث هزینه‌های داوری به حد قابل توجهی از دادرسی کمتر است چرا که میزان هزینه‌ها بر اساس رضایت طرفین و داوری می‌باشد.

«اقتصاد هم‌چون اخلاق و عدالت توانسته به‌عنوان یکی از ارکان اصلی در تفسیر آئین دادرسی مدنی به شمار رود. هر قاعده‌ای حقوقی که بتواند در تولید ثروت و رفاه اجتماعی مؤثر واقع گردد، در مقابل اگر قاعده حقوقی که سبب کاهش ثروت و موجب تلف منابع شود باید مورد ارزیابی قرار داده شود» (مردانی و همکاران، ۱۳۷۲، ۶۱). «تجزیه و تحلیل اقتصادی فرایند دادرسی مدنی بر اساس هزینه‌های اقامه دعوی بها هدف بالا رفتن کارایی و کیفیت دادرسی و بهینه‌سازی منطقی هزینه‌های دادرسی می‌باشد. هم‌چنین دادرسی کارآمد از جمله تضمین‌های عدالت مدنی شناخته شده است» (واحدی، ۱۳۷۰، ۲۱). «روند دادخواهی نیز از منطبق اقتصادی برخوردار است و چنان‌چه افراد بر اساس فرض عقلانیت اقتصادی رفتار می‌کنند و باهدف دستیابی به منابع بیشتر دست به انتخاب زده و در مواقعی اقامه دعوی در دادگاه را می‌پذیرند و هم‌چنین به صلح و سازش بدون رجوع به دادگاه را انتخاب

کنند» (نهرینی، ۱۳۸۳، ۹۳). «باید اذعان داشت که کیفیت دادرسی با تأکید بر سازمان‌دهی کارکرد اجتماعی دادرسی، انگیزه خصوصی طرفین باهدف عدالت اقتصادی در کنار عدالت مدنی برشمرده شده است. از جمله این عناصر، کیفیت دادرسی است که به زمان دادرسی و هزینه‌های دادرسی اشاره می‌کند و اختلاف از مجاری قانونی اعم از قضایی یا داوری، با حاصل شدن نتیجه و کیفیت دادرسی امری ضروری و از موارد نظم عمومی به‌نظر می‌رسد» (هرمزی، ۱۳۸۷، ۳۹). «آئین دادرسی مدنی یا عدالت مدنی مانند سایر علوم دیگر قطعاً بر پایه اصولی پایه‌ریزی شده است؛ هرچند که نمی‌توان اصول این علم را به موارد قابل شمارشی محدود کنیم؛ اما سه رکن اصلی و مهم را می‌توان برای شکل‌گیری آن‌ها نام برد. زمانی که عدالت مدنی بتواند کارایی خود را نشان بدهد که سه اصل صحت آرای دادرسی، هزینه دادرسی و زمان دادرسی را هم‌زمان باهم دارا باشد و نبود یکی از این اصول یا عدم هماهنگی بین آن‌ها می‌تواند مسبب تضعیف این هاد مهم شود» (هاشمی، ۱۳۹۱، ۷۲). «در تحقق عدالت مدنی هزینه دادرسی به شکل مستقیم بر دو رکن دیگر یعنی زمان دادرسی و صحت آرا تأثیر مستقیم خواهد داشت. از این‌رو باید اذعان داشت هر چه هزینه دادرسی کمتر باشد و یا امکان بازگشت هزینه دادرسی به فردی که اقامه دعوا نموده قطعی‌تر باشد، تعداد دعوی اقامه شده بیشتر خواهد بود، در نتیجه زمان دادرسی و رسیدگی به دعاوی طولانی‌تر می‌شود و در نتیجه حجم بالای دعاوی سبب کاهش دقت و صحت آرا می‌شود» (واحدی، ۱۳۷۶، ۱۱۲). «عدم تناسب این سه مؤلفه نه تنها فلسفه عدالت و کارایی دادرسی را تحت تأثیر قرار خواهد داد؛ بلکه از

جمله مهم‌ترین دستاوردهای این تحقیق، اختیار داور جهت اظهارنظر در رابطه با صلاحیت خود است، هم-چنین قائل شدن به اعتبار امر مختومه در رابطه با آرای داوری و صلاحیت اظهار نظر در رابطه با دستور موقت و تأمین خواسته و امکان اعاده آریا داوری است. از جمله مهم‌ترین آسیب‌شناسی‌ها و ضعف در این مقوله عدم ذکر مورد ورشکستگی در مورد توقیف داوری و عدم اختیار داور در رابطه با انجام تحقیقات و معاینه محل می‌باشد که این‌ها از ضعف مقررات مربوط به داوری است، که این خود دخالت قانون‌گذار را جهت پاسخ‌گویی به این ایرادات دوچندان می‌کند. این ایراد در مقررات آئین دادرسی مدنی جهت اعمال در دادرسی‌های دولتی در ماده ۱۰۹ آمده است، در کلیه دعاوی مدنی اعم از دعاوی اصلی یا طاری و درخواست‌های مربوط به امور حسبی به استثنای مواردی که قانون امور حسبی مراجعه به دادگاه را مقرر داشته است خوانده می‌تواند برای تأدیه خسارات ناشی از هزینه‌های دادرسی و حق الوکاله که ممکن است خواهان محکوم شود، از دادگاه تقاضای تأمین نماید. دادگاه در صورتی که تقاضای مزبور به نوع و وضع دعوا و سایر جهات موجه بداند قرار تأمین صادر می‌کند که اگر مدت مقرر در قرار دادگاه برای دادن تأمین منقضی شود و خواهان تأمین ندهد به درخواست خوانده رد دادخواست خواهان صادر می‌شود.

لحاظ اقتصادی نیز کارکرد منفی فردی و اجتماعی را به همراه دارد. مفهوم کیفیت دادرسی و کارایی دادرسی از مفاهیم تحلیل اقتصادی حقوق است. کارایی دادرسی در ادبیات حقوقی دنیا معمولاً در قالب مفاهیمی مانند دادرسی معقول و متعارف، دادرسی سریع، همکاری حداکثری طرفین دعوی باهم و با نهاد رسیدگی‌کننده در جریان دادرسی، رد و بدل شدن اطلاعات و... مورد توجه قانون‌گذار می‌باشد» (هرمزی، ۱۳۸۳، ۴۴).

۶. نتیجه

دعاوی طاری دعاوی محسوب می‌شوند که در کنار دعاوی اصلی اقامه می‌شوند و جریان داوری را با وقفه (اعم از دائمی و موقت) مواجه می‌کنند. در این رابطه دعاوی اضافی، متقابل، ورود و جلب ثالث، موارد مربوط به توقیف جریان داوری به‌عنوان (وقفه موقت) و موارد مربوط به‌عنوان زوال داوری به‌عنوان (وقفه دائمی) مورد بررسی قرار گرفته است. در ذیل مبحث دعاوی طاری به‌معنای خاص اعتراض ثالث اعم از اصلی طاری و اجرایی مورد بررسی قرار گرفت از جمله مهم‌ترین دستاوردهای این تحقیق، اختیار داور جهت اظهارنظر در رابطه با صلاحیت خود است، هم-چنین قائل شدن به اعتبار امر مختومه در رابطه با آرای داوری و صلاحیت اظهارنظر در رابطه با دستور موقت و تأمین خواسته و امکان اعاده آرای داوری است. از جمله مهم‌ترین آسیب‌شناسی‌ها و ضعف در این مقوله عدم ذکر مورد ورشکستگی در مورد توقیف داوری و عدم اختیار داور در رابطه با انجام تحقیقات و معاینه محل می‌باشد که این‌ها از ضعف مقررات مربوط به داوری است، که این خود دخالت قانون‌گذار را جهت پاسخ‌گویی به این ایرادات دو چندان می‌نماید. از

۷. سهم نویسندگان

همه نویسندگان به صورت برابر در تهیه این پژوهش مشارکت داشته‌اند.

۸. تضاد منافع

در این پژوهش تضاد منافع وجود ندارد.



منابع

فارسی

- شمس، عبدالله، آئین دادرسی مدنی. جلد اول و دوم، چاپ ششم، تهران، نشر میزان، ۱۳۸۲.
- شمس، عبدالله، «اصل تناظر»، فصلنامه تحقیقات حقوقی، شماره ۳۵ و ۳۶، ۱۳۸۱.
- شهیدی، مهدی، مجموعه مقالات حقوقی، چاپ اول، تهران، انتشارات مجد، ۱۳۸۵.
- صدرزاده افشار، محسن، آئین دادرسی مدنی و بازرگانی، چاپ سوم، تهران، انتشارات جهاد دانشگاهی واحد علامه طباطبائی، ۱۳۸۰.
- عابدیان، میرحسین؛ اسدزاده، مجتبی؛ فیروزمند، علی، در تکاپوی عدالت، چاپ اول، تهران، نشر بنیاد حقوقی میزان، ۱۳۸۸.
- غمامی، مجید، محسنی، حسن، اصول آئین دادرسی فراملی، چاپ اول، تهران، نشر میزان، ۱۳۸۶.
- غمامی، مجید؛ محسنی، حسن، «اصول تضمین کننده عملکرد دموکراتی در دادرسی و اصول مربوط به ویژگی‌های دادرسی مدنی»، فصلنامه حقوق، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی تهران، شماره ۷۴، ۱۳۸۵.
- قهرمانی، نصرالله، مباحث دشوار آئین دادرسی مدنی، جلد دوم، چاپ اول، تهران، انتشارات خرسندی، ۱۳۹۰.
- کاتوزیان، ناصر، اعتبار امر قضاوت شده، چاپ سوم، تهران، نشر میزان، ۱۳۸۳.
- کاشانی، جواد؛ جعفری، زهرا، «بررسی اثر انتقالی تجدید نظرخواهی (در دعای مدنی) در حقوق ایران و فرانسه»، نشریه پژوهش حقوق و سیاست، شماره ۳۳، ۱۳۹۰.
- کریمی، عباس، آئین دادرسی مدنی، چاپ چهارم، تهران، انتشارات مجد، ۱۳۸۶.
- ابهری، حمید، «حقوق و تکالیف خواهان در اولین جلسه دادرسی»، فصلنامه حقوق، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی تهران، شماره اول، ۱۳۸۷.
- انصاری، باقر، نقش قاضی در تحول نظام حقوقی، چاپ اول، تهران، نشر میزان، ۱۳۸۷.
- ایمانیان بیدگلی، اعظم، مالکیت خواهان بر دعای مدنی، چاپ اول، تهران، انتشارات جنگل، ۱۳۹۱.
- بروجردی عبده، محمد، جزوه اصول محاکمات حقوقی (مواد امتحانات مستخدمین قضایی)، چاپ اول، تهران، انتشارات دانشکده حقوق و علوم سیاسی، ۱۳۹۷.
- پوراستاد، مجید، «اصل حاکمیت اصحاب دعای مدنی»، فصلنامه حقوق، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی تهران، شماره ۳، ۱۳۸۷.
- پورطهماسبی فرد، محمد؛ محسنی، حسن، «اصل تسلط طرفین دعوا بر جهات و موضوعات دعوا»، مجله کانون وکلا، شماره ۲۱، ۱۳۸۴.
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر، ترمینولوژی حقوق، چاپ ششم، تهران، انتشارات گنج دانش، ۱۳۸۷.
- حیدری، سیروس، «اصل تناظر در حقوق فرانسه و کامن لا»، فصلنامه مطالعات حقوقی، شماره اول، ۱۳۸۹.
- خدابخشی، عبدالله، مبانی فقهی آئین دادرسی مدنی و تأثیر آن در رویه قضایی، جلد اول، چاپ دوم، تهران، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۹۰.
- زندی، محمدرضا، رویه قضایی دادگاه تجدید نظر استان تهران در امور مدنی (تشریفات دادرسی)، جلد چهارم، چاپ سوم، تهران، انتشارات جنگل، ۱۳۸۹.

- مافی، همایون؛ شمسی، جواد، «دعوی متقابل در داوری داخلی و داوری تجاری بین‌المللی» (مقاله علمی وزارت علوم)، دیدگاه‌های حقوق قضایی، شماره ۹۲، زمستان ۱۳۹۹.
- متین‌دفتری، احمد، آئین دادرسی مدنی و بازرگانی، جلد اول و دوم، چاپ سوم، تهران، انتشارات مجد، ۱۳۸۱.
- محتاج، محدثه، امکان مداخله ثالث در داوری، سومین کنفرانس سراسری حقوق و مطالعات قضایی، شیراز، ۱۳۹۶.
- محسنی، حسن، اداره جریان دادرسی مدنی، چاپ نهم، تهران، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۸۹.
- محسنی، حسن، «عدالت آئینی (پژوهشی پیرامون نظریه‌های دادرسی عادلانه)»، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی تهران، شماره اول، ۱۳۸۸.
- محمدی، سام؛ محمدزاده، علی، «تأثیر زوال دعوی اصلی بر دعوی متقابل»، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی تهران، شماره ۴، ۱۳۸۸.
- مردانی، نادر، حاتمی؛ علی‌اصغر، بهشتی؛ محمدجواد، حبیب؛ آگهی، علیرضا، آئین دادرسی مدنی، چاپ اول، تهران، نشر یلدا، ۱۳۷۲.
- مولودی، محمد، «دعوی اضافی»، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، شماره ۵۸، ۱۳۸۱.
- مهاجری، علی، مبسوط در آئین دادرسی مدنی، جلد اول، چاپ چهارم، تهران، انتشارات فکرسازان، ۱۳۸۷.
- نهرینی، فریدون، دستور موقت در حقوق ایران و پژوهشی در حقوق تطبیقی، چاپ اول، تهران، انتشارات گنج دانش، ۱۳۸۳.
- نیشابوری، مریم، طرح دعاوی طاری در داوری، مجله مطالعات حقوق، دوره جدید، شماره ۱۵، بهار ۱۴۰۰.
- واحدی، جواد، «جلسه اول دادرسی و خصوصیات آن»، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، شماره ۳۸، ۱۳۷۶.
- واحدی، جواد، «دعوی متقابل»، مجله حقوقی و قضایی دادگستری، شماره ۲، ۱۳۷۰.
- هاشمی، احمدعلی، آئین دادرسی مدنی فرانسه، چاپ اول، تهران، نشر دادگستر، ۱۳۹۱.
- هرمزی، خیرالله، «توجیه آرای مدنی و ضمانت اجرای عدم آن»، پژوهش حقوق و سیاست، شماره ۱۱، ۱۳۸۳.
- هرمزی، خیرالله، «معمای نهایی شدن آرا در نظام قضایی ایران»، پژوهش حقوق و سیاست، شماره ۲۴، ۱۳۸۷.